

دفاع از هند

مؤلف: ویل دورانت

ترجمه: مهوش غلامی

تهران ۱۳۸۴

Durant, William Jame

دورانت، ویلیام جیمز، ۱۸۸۵-۱۹۸۱ م

دفاع از هند / ویل دورانت؛ ترجمه مهوش غلامی. - تهران: امید ایرانیان، ۱۳۸۳.
۲۲۰ ص.

ISBN: 964-95743-2-8

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیها.

این کتاب نقدی بر بخش هند از کتاب تاریخ تمدن اثر ویل دورانت است.

۱. هند - تاریخ. الف. غلامی، مهوش، ۱۳۳۸ - مترجم. ب. عنوان.

۹۵۳

DS ۳۳۶ / د ۸۵ د ۲

۱۳۸۳

م ۸۳ - ۳۸۱۶۹

کتابخانه ملی ایران

دفاع از هند

اثر دورانت، ویلیام جیمز

ترجمه: مهوش غلامی

طرح روی جلد: عزیز محسنی

چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۸۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۹۶۴-۹۵۷۴۳-۲-۸

ISBN: 964-95743-2-8

تهران - بهار شمالی، بعداز بیمارستان امام سجاده (ع) مجتمع تجاری مرجان.

پلاک ۲۸۴، طبقه چهارم، تلفکس: ۸۳۲۴۸۹۴

Email: omid.iranian@gmail.com

فهرست

۵	مقدمه مترجم
۹	یادداشتی برای خواننده

فصل اول: در دفاع از هند

۱۱	۱. دیدگاه شخصی
۱۴	۲. چشم انداز هند
۱۷	۳. تجاوز به یک قاره
۲۹	۴. نظام طبقاتی در هند
۴۴	۵. انهدام اقتصادی
۵۷	۶. انهدام اجتماعی
۶۵	۷. پیروزی مرگ

فصل دوم: گاندی

۷۳	۱. تصویر
۸۰	۲. مقدمات
۸۶	۳. انقلاب بدون خونریزی
۹۷	۴. ملاقات مسیح با انگلیسی ها
۱۰۲	۵. مذهب گاندی

۱۱۴	۶. فلسفه اجتماعی گاندی
۱۲۴	۷. انتقاد
۱۳۷	۸. یک پیش‌بینی

فصل سوم: انقلاب

۱۴۱	۱. مبدأ
۱۴۵	۲. ضربه سیاست
۱۵۴	۳. بوی باروت
۱۵۹	۴. قیام ۱۹۲۱
۱۶۴	۵. فاصله دو انقلاب
۱۶۷	۶. کمیسیون سیمون
۱۷۲	۷. ۱۹۳۰

فصل چهارم: ادعای نام انگلستان

۱۸۸	۱. انگلستان در جایگاه
۱۸۸	الف. دفاع به سبک نیچه
۱۹۲	ب. کمک‌های انگلیس به هند
۲۰۰	ج. کلید قدرت مردان سفیدپوست
۲۰۳	۲. پاسخ هند
۲۰۴	الف. اخلاقیات در هند
۲۱۱	ب. اضمحلال سیستم طبقاتی
۲۱۶	ج. هدیه به سبک یونانی
۲۳۱	نتیجه‌گیری: با بی‌طرفی و بی‌غرضی کامل

مقدمه مترجم

ویل دورانت در سال ۱۸۸۵ در آدامز شمالی واقع در ماساچوست امریکا به دنیا آمد. در همین شهر تحت تعلیم راهبه‌های کاتولیک فرانسوی قرار گرفت و در سن ۱۵ سالگی وارد آکادمی و کالج سنت پیتر در نیوجرسی شد و در سال ۱۹۰۷ از همین کالج فارغ‌التحصیل گردید. دورانت مدتی در روزنامه «نیویورک ایونینگ جورنال» به عنوان گزارشگر کارکرد اما تحرک و سرعت این شغل با روحیه ملایم او سازگار نبود. بنابراین از این کار دست کشید و به عنوان استاد به تدریس زبان‌های لاتین، یونانی، فرانسوی، انگلیسی و دیگر زبان‌ها در کالج ستون هال واقع در «اورنج جنوبی» در ایالت نیوجرسی پرداخت. او در سال ۱۹۰۹ در مدرسه علوم دینی همین شهر مشغول به کار شد اما در سال ۱۹۱۱ این مدرسه را ترک کرد و در مدرسه مدرن «فرن» به عنوان آموزگار استخدام شد و در آموزش کتابداری تجربه‌ای کسب کرد. دورانت در سال ۱۹۱۲ به اتفاق «آلدن فریمن» و به هزینه او سفری دوره‌ای به اروپا داشت. در بازگشت از سفر از شغل معلمی

استعفا کرد و با دختری به نام اریل که در همین مدرسه با او آشنا شده بود ازدواج کرد. دورانست برای امرار معاش سخنرانی می‌کرد و بابت هر سخنرانی ۵ تا ۱۰ دلار دستمزد می‌گرفت. او در همین زمان به ادامه تحصیل در رشته دکتری فلسفه در دانشگاه کلمبیا پرداخت و فریمن شهریه او را تأمین نمود. او از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۱۷ رساله‌هایی در زمینه فلسفه، زیست‌شناسی و روان‌شناسی نوشت. دورانست در سال ۱۹۱۷ از دانشگاه کلمبیا مدرک دکتری گرفت و نخستین کتاب خود را که در واقع رساله دکتری او بود به نام «فلسفه و مسأله سوسیالیسم» منتشر نمود. در این رساله دورانست این ایده را به بحث گذاشت که علت عدم رشد فلسفه اجتناب آن از پرداختن به مسائل واقعی جامعه است. ویل دورانست بعد از مدتی تدریس در دانشگاه کلمبیا این کار را کنار گذاشت و به سخنرانی در مورد تاریخ فلسفه، ادبیات، علوم، موسیقی و هنر پرداخت. او در سال ۱۹۲۱ مدرسه «لیبر تمپل» را تأسیس نمود و به عنوان مدیر این مدرسه یکی از موفق‌ترین تجارب را در زمینه آموزش بزرگسالان در نیویورک داشت. حاصل تجربه طولانی او به عنوان توضیح‌دهنده مباحث دشوار برای حضار عامی کتاب «تاریخ فلسفه» بود. بعد از نگارش این کتاب کار تدریس را کنار گذاشت و نوشتن کتاب «تاریخ تمدن» را که شاهکار او محسوب می‌شود شروع کرد. نگارش این کتاب ۱۱ جلدی ۴۶ سال به طول انجامید اما در جلدهای آخر همسرش نیز به او کمک کرده است. جلد هفتم این کتاب به نام «روسو و انقلاب» در سال ۱۹۶۸ برنده جایزه پولیتزر گردید.

دورانت در سال ۱۹۸۱ در سن ۹۶ سالگی در بیمارستان بستری شد و کمی بعد درگذشت. او در کنار همسرش در گورستان لس آنجلس مدفون است. بعد از مرگ، یادداشت‌های شخصی او بین خویشاوندان و مجموعه‌داران پخش شد و در این بررسی‌ها «جان لیتل» دست‌نویس کتاب «قهرمانان تاریخ» را کشف نمود. قرار بود این کتاب که در واقع خلاصه کتاب «تاریخ تمدن» است از ۲۳ بخش تشکیل شده باشد اما ۲۱ بخش آن تکمیل شده بود.

دورانت کتاب حاضر را بعد از سفری تحقیقی به هند نوشته است. او برای تکمیل اطلاعات خود در باره هند و هندوها و نوشتن بخشی از کتاب «تاریخ تمدن» به این سفر رفته بود، اما با مشاهده شرایط هندوها و ظلم و ستم انگلیسی‌ها نسبت به آنها، کار نگارش «تاریخ تمدن» را کنار گذاشت و کتاب «دفاع از هند» را در حمایت از حقوق هندوها نوشت. لازم به تذکر است که انتشار این کتاب ده‌ها سال در انگلستان و کشورهای تابع آن ممنوع بود.

یادداشتی برای خواننده

من به منظور مشاهده و آشنایی نزدیک با مردمی به هند رفتم که برای نوشتن کتاب «تاریخ تمدن» مشغول مطالعه و بررسی تاریخ فرهنگ آنان بودم. تصور نمی‌کردم که جذب هندوها شوم یا شیفته و علاقه‌مند سیاست هندوستان گردم. فقط امیدوار بودم اندکی به مطالبم اضافه شود، با چشمان خود برخی آثار هنری را ببینم و بعد این دنیای معاصر را به فراموشی بسپارم و به مطالعات و تحقیقات تاریخی خود بازگردم.

اما در هند چیزهایی دیدم که مرا بر آن داشت کار مطالعه و نوشتن را عبث و بیهوده ببایم. مردمی را دیدم - یک پنجم جمعیت بشری - که بیش از هر نقطه دیگری روی کره زمین گرفتار ظلم و ستم و فقر شدیدند. به وحشت افتادم. فکر نمی‌کردم ممکن باشد دولتی اجازه دهد اتباعش در چنین بدبختی و فلاکتی غرق شوند. با این تصمیم به کشورم بازگشتم که هم هند امروز و هم کشوری را که گذشته‌ای درخشان داشت مورد بررسی و مطالعه قرار دهم. قصد داشتم به حقایق بیشتری در مورد انقلاب

بی نظیری دست بایم که با بدبختی‌ها مبارزه می‌کرد و در همه جا پذیرفته شده و مقبول بود اما هیچ‌گاه بازدهی و نتیجه‌ای نداشت. می‌خواستم هم در مورد گاندی امروز و هم بودای گذشته‌های دور مطالبی بخوانم و هر چه بیشتر می‌خواندم، خشم و حیرت بیشتری سراسر وجودم را فرا می‌گرفت که چه گونه انگلستان در طی یک صد و پنجاه سال آشکارا، آگاهانه و تعمداً سرزمین هند را مورد تجاوز و کشتار قرار داده است. به تدریج احساس کردم با بزرگترین جنایت در تمامی طول تاریخ روبه‌رو هستیم.

بنابراین از خوانندگان اجازه می‌خواهم که مدتی تحقیقاتم را در مورد گذشته کنار بگذارم تا در جایگاه دفاع از هند بایستم و سخنم را بگویم. می‌دانم که در مقابل تفنگ و خون، کلمات چه قدر ضعیف و کمرنگند و در کنار قدرت امپراتوری‌ها و طلا، نجابت و حقیقت صرف چقدر نامربوط و بی‌معنی به نظر می‌رسد. اما اگر حتی یک نفر هندو که در آن سوی کره‌خاکی برای آزادی می‌جنگد، صدای مرا بشنود و کمی تسکین یابد، در آن صورت این ماه‌هایی که روی این کتاب کوچک کار کرده‌ام، برایم شیرین خواهد بود، چرا که امروز هیچ کاری در جهان نیست که آن را به کمک کردن به هند ترجیح دهم.

ویل دورانت

اول اکتبر ۱۹۳۰

توجه: این کتاب بدون هیچ گونه اطلاع یا همکاری فردی هندو با کسی که مکرل و نماینده هند باشد، نوشته شده است.